

# نظام حکومتی انگلستان \*

ترجمه همایون بارز

۱.

## حکومت انگلستان

قانون اساسی انگلستان، برخلاف سایر کشورها، در یک سند واحد گنجانیده نشده است. این قانون متشکل از قوانین مدون، قوانین عرفی و پاره‌ای پیمانهاست. مفاد قانون اساسی فقط به وسیله قانون پارلمانی قابل تغییر است. در مورد الغا، تغییر یا ایجاد پیمان نیز توافق عمومی الزامی است.

ارگانهای حکومت گرچه وظایفشان در مواردی به هم آمیخته و در بعضی موارد به هم پیوسته است، ولی بروشنی از هم متمایز هستند. قوه مقننه - پارلمان - عالیترین مرجع به شمار می رود. قوه اجراییه شامل: الف) دولت، کابینه و سایر وزرا که مسئول هدایت سیاست ملی می باشند، ب) ادارات دولتی که مسئولیت اداره امور ملی را به عهده دارند، ج) مقامات و مراجع محلی که مدیریت خدمات محلی را به عهده دارند و د) شرکتهای عمومی، که مسئولیت اداره و عملکرد صنایع ملی شده ویژه را به عهده دارند، است. برای مثال می توان به خدمات اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد که تا حدود زیادی تابع نظارت وزارتخانه مربوط به خود می باشند. قوه قضاییه بر وضع قوانین و تفسیر قوانین مدون تصمیم می گیرد. این قوه مستقل از دو قوه دیگر می باشد.

## سلطنت

مردم انگلستان به ملکه نه به عنوان یک رئیس حکومت، بلکه به عنوان مظهر وحدت ملی نیز می‌نگرند. سلطنت، قدیمیترین نهاد غیردینی در انگلستان می‌باشد. در هزار سال گذشته تداوم سلطنت فقط یک بار شکسته شده است (با ایجاد یک جمهوری که از سال ۶۰ — ۱۶۴۹ دوام داشت) و علیرغم وقفه در خط سلطنت موروثی، اصل موروثی بودن سلطنت همیشه حفظ شده است. عنوان سلطنتی در انگلستان متعلق به الیزابت دوم است که از طریق «موهبت الهی» ریاست بر بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و سایر قلمروهای تحت حکومت پادشاهی و همچنین ریاست بر کشورهای مشترک المنافع را دارا می‌باشد. ملکه همچنین مدافع مذهب مردم انگلستان نیز هست. شکل عنوان سلطنتی در مورد سایر دول عضو مشترک المنافع که ملکه ریاست حکومتی آنها را به عهده دارد، به تناسب وضعیت هر دولت متفاوت است.

مقر سلطنت، انگلستان است. در چانل آیلند (Channel Islands) و آیل آومن (Ile of Man)، یک فرماندار از جانب ملکه حکومت می‌کند. در سایر کشورهای عضو بازار مشترک یک فرماندار کلی منصوب از جانب ملکه امور کشور را اداره می‌کند و این کشورها کاملاً مستقل از حکومت انگلستان می‌باشند. در سایر قلمروهای انگلستان، فرماندارانی از جانب ملکه وجود دارند که در مورد انجام وظایفشان در قلمروها، در مقابل دولت انگلستان مسئول می‌باشند.

## جانشین و تاجگذاری

عنوان ولایتعهدی، در پاره‌ای موارد از قانون مدون و در پاره‌ای موارد از عرف حکومت موروثی ناشی می‌شود. اولاد مستقیم پروتستان مذهب شاهزاده «صوفیا» (منتخب هانور، نوه دختری «جیمز اول») انگلستان و «جیمز پنجم» اسکاتلند تنها شایستگی رسیدن به سلطنت را دارند؛ اگرچه تسلسل محدود به ادامه در خط فعلی نیست، تنها با رضایت عمومی ملل عضو مشترک المنافع که پادشاهی آنها برعهده ملکه است، قابل تغییر می‌باشد.

اولاد ذکور پادشاه بر اولاد دختر پادشاه در رسیدن به تخت سلطنت تقدم دارند. زمانی که یک دختر به تخت سلطنت جلوس می‌کند، عنوان ملکه را به خود اختصاص می‌دهد و قوای تاج و تخت، به عنوان پادشاه، به وی واگذار می‌گردد. قانون اساسی به همسر

ملکه مقام یا امتیاز خاصی اعطا نکرده است؛ گرچه در عمل، شوهرملکه نقش مهمی در زندگی کشور به عهده دارد؛ برای مثال می‌توان از «دوک ادینبورگ» نام برد. ولیعهد به محض درگذشت پادشاه به تخت سلطنت جلوس می‌کند و در این روند هیچ وقفه‌زمانی وجود ندارد.

شورای سلطنت به موجب اجلاس خاصی که در آن کلیه اعضای شورای سلطنت حضور دارند، پادشاهی ولیعهد را اعلان می‌دارد. از بزرگان روحانی و غیرروحانی، شهردار لندن و اعضای انجمن شهر و سایر شهروندان برجسته شهر لندن برای شرکت در این اجلاس دعوت به عمل می‌آید.

تاجگذاری پادشاه به دنبال این اجلاس در یک زمان مناسب انجام می‌گیرد. این مراسمی است که بعد از گذشت بیش از هزار سال، الزاماً باقی است؛ گرچه به اقتضای زمان، اغلب در آن تغییراتی داده شده است. مراسم تاجگذاری در کلیسای «وست مینیستر» در لندن در حضور نمایندگان دو مجلس و نخست‌وزیر و اعضای بلند پایه کشورهای عضو مشترک المنافع و نمایندگان کشورهای خارجی برگزار می‌شود.

### عملکرد حکومت

ملکه مظهر حاکمیت است. به موجب قانون، ملکه، رئیس قوه مجریه، بخش لاینفک قوه مقننه، رئیس قوه قضاییه، فرمانده کل نیروهای مسلح و فرماندار کل کلیسای انگلستان محسوب می‌شود. در نتیجه یک فرایند تکاملی طولانی، قدرت مطلقه سلطنت تدریجاً کاهش یافته و ملکه بر اساس توصیه وزرا عمل می‌کند. وی نمی‌تواند نظر وزرا را نادیده بگیرد. در انگلستان قدرت از جانب دولت و به نام ملکه، اعمال می‌گردد.

در این چارچوب، و علیرغم روند صد سال گذشته که سعی در تفویض قدرت به وزرا بوده است، معهداً هنوز پاره‌ای از اعمال مهم دولتی وجود دارد که در آن به مشارکت ملکه احتیاج است. این اعمال عبارتند از: فراخواندن، تعطیل (تعطیل بدون انحلال تا اجلاس بعدی) و انحلال پارلمان، توشیح لوایح مصوب پارلمان، انتصاب مقامات مهم (از جمله وزرای دولت، قضات، افسران نیروهای مسلح، فرمانداران، دیپلماتها و اسقفها و بعضی از روحانیون ارشد کلیسای انگلستان)، اعطای مقامات اشرافی، شوالیه‌گری و سایر امتیازات افتخاری<sup>۲</sup> و بخشش قسمتی یا تمامی مجازاتی که به یک متهم تحمیل شده است. یکی از وظایف مهم، انتصاب نخست‌وزیر است و برحسب یک سنت دیرین، ملکه از رهبر حزب سیاسی که اکثریت را در مجلس عوام حائز می‌گردد، دعوت به عمل می‌آورد تا دولت را تشکیل دهد. در امور بین‌المللی، ملکه به عنوان رئیس حکومت از قدرت اعلان

جنگ، اعلان صلح، شناسایی دولتها و حکومت‌های خارجی، عقد پیمانها و الحاق سرزمین یا صرف نظر کردن از یک سرزمین برخوردار است.

به استثنای موارد نادر (نظیر انتصاب نخست وزیر)، کارهایی که محتاج به قوه ناشی از سلطنت است، امروزه توسط وزرای دولت اعمال می گردد. این وزرا در مقابل پارلمان مسئول می باشند و ممکن است در مورد یک سیاست خاص مورد موآخذه قرار گیرند. برای اعمال این قدرتها، قدرت پارلمانی ضروری نیست؛ گرچه پارلمان قدرت محدود کردن و یا الغای این حق ناشی از سلطنت را دارد.

مسئول بودن وزرا به هیچوجه از اهمیت نقش ملکه در انجام کارهای دولت نمی کاهد. ملکه در جلسات شورای سلطنت شرکت می کند، وزرا و سایر مقامات را به حضور می پذیرد، نتیجه تصمیمات کابینه را دریافت و اوراق دولتی بی شماری را امضا می کند. وی در تمام امور ملی باید مورد مشورت واقع شود و در تمام موارد باید بی نظری خود را حفظ کند.

اهمیت وظایف سلطنت به حدی است که ترتیباتی داده شده است تا شورای سلطنت وظایف ملکه را، در صورتی که وی از انجام آن ناتوان گردد، انجام دهد. اعضای شورای سلطنت عبارت خواهند بود از بزرگترین پسر ملکه، شاهزاده ویلز و دیگر کسانی که به ترتیب در مقام جلوس به سلطنت قرار دارند. در صورتی که ملکه از انجام وظایف ناتوان، یا در مسافرت خارج از کشور باشد، ترتیباتی برای انتصاب مشاورین حکومتی (دوک ادینبورگ، چهار نفر از افراد بالغ در سلسله مراتب جلوس به سلطنت و ملکه مادر) که ملکه بتواند بعضی از وظایف سلطنتی را تفویض کند، اتخاذ شده است. معهدا مشاور حکومتی برای مثال نمی تواند دستور انحلال پارلمان را صادر کند (بجز به دستور مستقیم ملکه) یا القاب اشرافی ایجاد کند.

#### دیدارهای تشریفاتی

تشریفات همیشه با پادشاهان و ملکه های انگلیس پیوسته بوده است و علیرغم تغییراتی که در نظریات ملکه و مردم وجود دارد، بسیاری از رسوم سنتی و تشریفات ابقا شده است. ازدواجهای سلطنتی و مراسم تشیع جنازه سلطنتی، دارای مراسم خاصی است و زادروز ملکه رسماً، با تشریفات رنگارنگ و نمایش نگهبانان سوار بر اسب، در ماه ژوئن برگزار می گردد. هرگاه که رهبر یک دولت خارجی یا پادشاهی از انگلستان دیدن می کند، ضیافت‌های دولتی برپا می گردد. برای اعطای نشانهای افتخار، مراسمی در کاخ بوکینگهام برپا می گردد.

افتتاح پارلمان همراه با مراسم باشکوه سلطنتی است که طی آن ملکه سوار بر کالسکه از کاخ بوکینگهام به وست مینیستر می رود. هر ساله ملکه و سایر اعضای خاندان سلطنت از قسمتهایی از انگلستان دیدن می کنند. حضور آنان در رویدادهای علمی، هنری، صنعتی و امور خیریه، که اهمیت ملی دارند، سروصدای بسیار زیادی ایجاد می کند. ملکه در حالی که دوک ادینبورگ وی را همراهی می کند، از کشورهای خارجی بازدید به عمل می آورد. ملکه همچنین بازدیدهای درازمدتی از کشورهای مشترک المنافع می کند. سایر اعضای خاندان سلطنت معمولاً به نمایندگی از سوی ملکه و اغلب اوقات در ارتباط با یک سازمان یا موردی که با آن وابستگی دارند، اقدام به مسافرت خارج از کشور می کنند.

### درآمد سلطنتی و مخارج

بیش از سه چهارم هزینه هایی که از انجام وظایف خاندان سلطنت ناشی می شود، از درآمد عمومی پرداخت می گردد. این مخارج شامل هزینه های کشتی سلطنتی، هواپیمای سلطنتی، مسافرت با قطار و نگهداری کاخهای سلطنتی می گردد. بجز مواردی که ذکر شد، هزینه های عمومی ملکه و هزینه های ناشی از انجام وظایف رسمی به عنوان رئیس حکومت، از اعتباراتی که پارلمان تصویب می کند پرداخت می گردد.

هزینه های خصوصی ملکه در مقام رئیس کشور، از طریق صندوق سلطنتی، که از درآمدهای حاصله از دوک نشین لانکاستر<sup>۳</sup> (Lancaster) بهره می برد، تأمین می گردد و مخارج شخصی وی از منابع مالی خود ملکه. همچنین برای اعضای خاندان سلطنت مقرری سالانه ای با تصویب پارلمان وجود دارد. البته شاهزاده ویلز از این مقرری مستثنی است؛ زیرا به عنوان دوک کورنوال (Cornwal) مستحق دریافت یک درآمد خالص از املاک دوک نشین کورنوال می باشد (وی داوطلبانه بخشی از این درآمد را به ملت واگذار نموده است). ملکه مبلغی معادل آن را به خزانه کل واریز می کند.

## ۳.

### پارلمان

پارلمان عالیترین مرجع قانونگذاری است. عناصر سه گانه آن - ملکه، مجلس اعیان و اعضای مجلس عوام - از یکدیگر جدا هستند و برپایه اصول متفاوت بنیان نهاده شده اند. این عناصر سه گانه، تنها در موارد مهم نمادین، نظیر افتتاح پارلمان، که اعضای

مجلس عوام توسط ملکه به مجلس لُردها فراخوانده می شوند، دورهم جمع می گردند. به عنوان یک ارگان قانونگذار، پارلمان برحسب قانون نیازبه توافق کلیه اعضایش دارد. پارلمان قادر است برای تمام انگلستان به طور کلّی یا هر بخش کشور به طور مجزا یا ترکیبی از هر دو، قانون وضع نماید. پارلمان همچنین می تواند برای چنل آیلند و آیل آومن، که از متعلقات تاج و تخت هستند و بخشی از انگلستان محسوب نمی شوند، قانون وضع نماید. در این مناطق، ارگانهای قانونگذاری محلی تابع پارلمان وجود دارند که برای امور این سرزمینها قانون وضع می کنند.

پارلمان، فارغ از هرگونه محدودیت تحمیلی یک قانون اساسی مدون، قادر است، آن طور که می خواهد قانونگذاری کند؛ پارلمان قادر است قانون وضع کند، قانونی را از اعتبار خارج کند یا تغییراتی در قانون بدهد، موارد غیرقانونی گذشته را به صورت قانون درآورده، آنچه پیش از این به صورت قانون بوده بی اعتبار سازد، تصمیمات اتخاذ شده در دادگاه های عادی را از درجه اعتبار ساقط کند، میثاقهای برقرار را از میان برداشته و میثاقی دیگر را به صورت قانون لازم الاجرا درآورد.

پارلمان قادر است عمر خود را از دوره عادی خود طولانیتر سازد، بدون آنکه اجباری در مشورت با هیئت انتخاب کنندگان داشته باشد.

معهدا در عمل، پارلمان تصوق خود را اعمال نمی کند. اعضای آن همیشه حقوق عرفی را در فکر خود دارند و سعی می کنند که برطبق رویه و سنت پیش از خود عمل کنند. اعتبار یک قانون پارلمانی که از تصویب گذشته و انتشار و طبع یافته، در دادگاه ها بدون چون و چرا قابل اجراست. در عمل هیچ پارلمانی قانونی وضع نمی کند که از حمایت عموم برخوردار نباشد. نظام حزبی دولت ضامن آن است که پارلمان با حفظ مسئولیت نسبت به حوزه انتخابیه خود به وضع قوانین بپردازد. به عنوان یکی از اعضای بازار مشترک اروپا، انگلستان قوانین مختلف این اتحادیه را به رسمیت شناخته و ۸۱ عضوبه پارلمان اروپا گسیل داشته است.

### وظایف پارلمان

وظایف عمده پارلمان عبارتند از: ۱. تصویب قوانین، ۲. تأمین وسایل انجام کار دولت از طریق وضع مالیات و ۳. موشکافی در سیاست و اداره دولت، بویژه در پیشنهادات مربوط به هزینه. در انجام این وظایف، پارلمان کمک می کند تا حقایق و مسائل به نظر حوزه انتخابیه برسد. برحسب عادت، پیش از تصویب کلیه پیمانها و توافقات مهم بین المللی، پارلمان مورد مشورت قرار می گیرد. پیمانها، که در تئوری حداقل یک امتیاز

سلطنتی محسوب می شود و با نظر دولت صورت می گیرد، احتیاج به تصویب پارلمان ندارد.

### اجلاس پارلمان

پارلمان دارای یک دوره حداقل پنج ساله می باشد؛ اما غالباً پیش از پایان این مهلت منحل و انتخابات عمومی برگزار می گردد. از طریق وضع قانون، بر حداکثر عمر پارلمان در مواردی افزوده شده است که برای مثال می توان از پارلمانهای دو جنگ جهانی نام برد.

انحلال پارلمان و فرمان انجام انتخابات عمومی را ملکه، با توصیه نخست وزیر، اعلام می دارد. عمر پارلمان به چند اجلاس تقسیم می گردد؛ هر اجلاس معمولاً یک سال به طول می کشد که غالباً در ماه اکتبر یا نوامبر شروع شده و پایان می گیرد. تعطیلات پارلمان در شبها، روزهای پایان هفته، ایام کریسمس، عید پاک و تعطیلات بهاره بانکی می باشد. در تابستان نیز پارلمان در یک دوره فترت طولانی که در اواخر ماه ژوئیه یا اوت آغاز می شود به سر می برد. معدل تعداد روزهای نشست هر اجلاس، ۱۷۵ روز برای مجلس عوام و ۱۴۰ روز برای مجلس اعیان می باشد. در آغاز هر اجلاس، سخنرانی ملکه خط مشی سیاست دولت و برنامه پیشنهادی قانونگذاری را معین می کند. پایان هر اجلاس با دستور تمدید آن اعلام می گردد. پس از آن پارلمان تعطیل است، تا آغاز اجلاس جدید (در موارد بسیار نادر پارلمان بدون دستور تمدید، تعطیل شده است). یک خطابه مختصر از جانب ملکه کار پارلمان را در اجلاس گذشته مرور می کند. یک تعطیل معمولی تأثیری بر کارهای تکمیل نشده ندارد؛ اما یک دوره فترت تقریباً تمام کار پارلمانی را مختل می سازد؛ به نحوی که کلیه لوایح تکمیل نشده باید در اجلاس جدید دوباره ارائه شود؛ مگر آنکه دولت از طرح آنها صرف نظر کند.

### مجلس اعیان

مجلس اعیان متشکل است از بزرگان روحانی و غیر روحانی. بزرگان روحانی عبارتند از سراسقف کانتربوری (Canterbury) و یورک (York)، اسقفهای لندن، دورهام (Durham) و وینچستر (Winchester) و ۲۱ نفر از اسقفهای ارشد کلیساهای انگلستان. بزرگان غیر روحانی عبارتند از ۱. کلیه صاحبان القاب موروثی انگلستان و اسکاتلند (بریتانیای کبیر) که القاب آنها سلب نشده است، ۲. کلیه امتیاز و لقب داران مادام العمر و ۳. حقوقدانهایی که برای انجام وظایف حقوقی مجلس این امتیاز به آنها اعطا شده است.

صاحبان القاب موروثی حق شرکت در مجلس اعیان را دارا می باشند؛ به شرط آنکه سن صاحب لقب از ۲۱ سال متجاوز باشد؛ اما هر وارث چنین القابی، تا ۱۲ ماه بعد از رسیدن به لقب موروثی می تواند از خود سلب لقب کند. کسی که از خود سلب لقب کرد، حق شرکت در مجلس اعیان را از دست می دهد؛ اما از حق شرکت در انتخابات عمومی برخوردار می گردد و می تواند خود را برای شرکت در مجلس عوام کاندیدا نماید.

القاب بزرگان غیرروحانی موروثی و مادام العمر، توسط نخست وزیر به آنها اعطا می گردد (گرچه لقب موروثی از سال ۱۹۶۵ تا کنون به کسی داده نشده است). این امتیازات و القاب معمولاً به پاداش خدمات افراد در امور سیاسی و یا امور اجتماعی داده می شود و یا آنکه دولت وقت مایل است که چنین لقبی را به کسی اعطا کند تا صاحب لقب در مجلس اعیان شرکت کند. مجلس اعیان محلی نیز برای مردان و زنانی که نظر مشورتی آنها در امور حکومت ضروری است ولی مایل به درگیر شدن در امور حزبی نیستند، مقرر داشته است.

در آغاز سال ۱۹۸۱، ۱۱۶۸ عضو مجلس اعیان وجود داشته است که از میان آنها دو نفر سراسقف و ۲۴ نفر اسقف بودند. برحسب یک سنت دیرین، بزرگان غیرروحانی شامل سه دسته از صاحبان القاب سلطنتی موروثی خونی، ۲۵ دوک، ۲۹ مارکیز، ۱۵۷ کنت و کنتس، ۱۰۵ ویسکنت و ۸۲۳ بارون و بارونس هستند که از میان آنها ۳۱۶ نفر صاحب القاب مادام العمر هستند. در حدود ۱۲۰ صاحب لقب ایرلندی نیز وجود دارند، اما اعضای مجلس اعیان محسوب نمی شوند؛ مگر آنکه دارای القاب انگلیسی، اسکاتلندی یا سلطنتی انگلستان نیز باشند. از میان آنها ۴۸ نفر از چنین القابی برخوردار هستند که در رقم بالا گنجانیده شده است. تمامی کسانی که صاحب لقب هستند در اجلاس مجلس اعیان شرکت نمی کنند. کسانی که مایل به شرکت در مجلس اعیان نیستند، در مدت دوره پارلمان تقاضای مرخصی می کنند.

صاحبان القابی که مکرراً در اجلاس مجلس اعیان شرکت می کنند (معدل حضور روزانه آنها ۲۹۰ نفر است)، شامل سیاستمداران سالخورده و دیگر کسانی است که عمرشان را در خدمات عمومی مصروف داشته اند. اعضای مجلس اعیان در قبال شرکتشان در مجلس، حقوقی دریافت نمی کنند؛ ولی می توانند هزینه هایی را که برای شرکتشان در مجلس متحمل می شوند و هزینه های مسافرتی خاص را مطالبه کنند.

ریاست مجلس اعیان با مژردار (Lord Chancellor) سلطنتی است که نیمکت ریاست مجلس را اشغال می کند. در غیاب وی معاونش و در غیاب هر دو آنها، به پیشنهاد سایر اعضای مجلس، یکی از اعضا جای وی را می گیرد. اولین معاون رئیس مجلس،



رئیس کمیسیونهاست که در ابتدای هر اجلاس به این مقام منصوب می‌گردد و ریاست تمام کمیسیونها را به عهده دارد؛ مگر آنکه مجلس به نحو دیگری اتخاذ تصمیم کند. ریاست مجلس و معاون کمیسیونها از مجلس حقوقی دریافت نمی‌کنند. کارمندان دائم مجلس عبارتند از منشی اعظم پارلمان که مسئول ثبت صورت جلسات و انتشار قوانین پارلمان است. سایر منشیها و منشی اعظم و سایر کارمندان مجلس جمعاً با عنوان «دفتر پارلمان» خوانده می‌شوند. راهنمای مجلس که پاسدار مخصوص در معیت رئیس مجلس است، مسئولیت امنیت و خدمات مجلس اعیان و بخشی از کاخ وست مینیستر را به اتفاق یک معاون به عهده دارد.

### مجلس عوام

مجلس عوام مجلسی است که اعضای آن از زن و مرد به وسیله آرای عمومی افراد بالغ، از میان بخشهای مختلف اجتماع، انتخاب شده‌اند. در مجلس عوام ۶۳۵ کرسی وجود دارد (۵۱۶ کرسی برای انگلستان، ۳۶ کرسی برای ویلز، ۷۱ کرسی برای اسکاتلند و ۱۲ کرسی برای ایرلند شمالی<sup>۴</sup>).

انتخابات عمومی بعد از انحلال پارلمان و فرمان ملکه انجام می‌گیرد. هرگاه یک وکیل مجلس استعفا دهد یا فوت کند و یا به لقب اشرافی مفتخر شود، انتخابات میان دوره‌ای صورت می‌گیرد. به وکلای مجلس سالانه معادل ۹۵۰، ۱۳ پوند حقوق پرداخت می‌گردد و هر نماینده مجلس از یک فوق العاده حقوق برای هزینه‌های منشی‌گری و تحقیقاتی برخوردار است. وکلای مجلس از فوق العاده حقوقهای دیگری نیز استفاده می‌کنند؛ نظیر مخارج مربوط به مسافرتها، اضافه حقوق برای نمایندگان لندن و نمایندگان استانها.

کارمند ارشد مجلس عوام، رئیس مجلس است که توسط وکلا برای ریاست بر اجلاس مجلس انتخاب می‌گردد. سایر کارمندان عبارتند از رئیس راه‌ها و روشها و دو معاون رئیس که به عنوان معاونان رئیس مجلس انجام وظیفه می‌کنند و توسط مجلس - و به توصیه دولت - انتخاب می‌شوند. آنها نیز مانند رئیس مجلس، جز در سمت خویش، حق صحبت و رأی دادن ندارند. اداره امور مجلس توسط یک کمیسیون به سرپرستی رئیس مجلس انجام می‌گیرد. کارمندان دائم (که وکیل نیستند) عبارتند از منشی مجلس عوام (که مشاور اصلی ریاست مجلس می‌باشد و اداره تحت نظارتش مسئولیت مربوط به انجام امور دادوستد را در کمیسیونهای بسیار به عهده دارد. این منشی همچنین کارمند حسابدار مجلس نیز به شمار می‌رود) و پاسدار ریاست مجلس (که دستورات مشخصی را انجام

می دهد و مسؤولیت حفظ امنیت قسمت عوام پارلمان با وی می باشد).

### نظام انتخابات پارلمانی

برای مقاصد انتخاباتی، انگلستان به چند حوزه انتخابیه تقسیم شده است که هر حوزه یک عضو به مجلس عوام می فرستد. برای حفظ عدالت در تقسیم حوزه های نمایندگی، چهار کمیسیون دائم تعیین حدود انگلستان، ویلز، اسکاتلند و ایرلند شمالی حوزه های انتخابیه را زیر نظر دارند و توصیه هایی در مورد توزیع مجدد کرسیها در صورت جابه جایی جمعیت و یا دلایل دیگر ارائه می کنند. انتخابات از طریق رأی مخفی صورت می گیرد. اتباع انگلستان (شامل اتباع مشترک المنافع) و اتباع جمهوری ایرلند می توانند رأی دهند؛ به شرط آنکه سن آنها بیش از ۱۸ سال باشد؛ همین طور افراد مقیم انگلستان که در دفتر ثبت سالانه انتخاب کنندگان ثبت نام کرده اند، به شرط آنکه صلاحیت آنها رد نشده باشد، می توانند در رأی گیری شرکت کنند.

افرادی که حق رأی دادن ندارند، شامل اعضای مجلس اعیان، زندانیان محکوم و کسانی که در ۵ سال پیش از آن به دلایل فساد و یا تخلف انتخابات به نحوی محکوم شده اند، می باشند.

رأی دهندگان مستخدم دولت، اعضای نیروهای مسلح و نظایر آنها، مستخدمین دربار و کارمندان شورای فرهنگی بریتانیا که در خارج از انگلستان مشغول به کار هستند، به اتفاق همسرانشان - در صورتی که آنها را همراهی می کنند - می توانند در یکی از حوزه های انتخابیه، که محل اقامتشان در انگلستان است، ثبت نام کنند.

هر انتخاب کننده یک حق رأی دارد که معمولاً باید شخصاً در صندوق رأی بیندازد. رأی دهندگان مستخدم دولت که در خارج به سر می برند و تجار و کارکنان کشتیها می توانند وکالتاً رأی دهند یا اگر در موقع برگزاری انتخابات در انگلستان باشند می توانند از طریق پست رأی خویش را ارسال دارند. رأی دهندگانی که جسماً ناتوان هستند و یا به خاطر طبیعت کارشان قادر به حضور شخصی در حوزه نیستند، می توانند از طریق پست رأی خویش را ارسال دارند. شرکت در انتخابات اجباری نیست. نزدیک به ۷۶ درصد از مجموع رأی دهندگان (حدود ۴۱ میلیون نفر) در انتخابات عمومی ماه می سال ۱۹۷۹ شرکت کردند. نامزدی که اکثریت آرا را در حوزه انتخابیه اش حائز شود، به نمایندگی انتخاب می شود.

اتباع انگلستان و اتباع جمهوری ایرلند می توانند خود را نامزد کنند و به عنوان نماینده مجلس انتخاب شوند؛ به شرط آنکه سن آنها از ۲۱ متجاوز باشد و مشمول هیچ نوع حکم

عدم صلاحیت نباشند، کسانی که صلاحیت انتخاب شدن را ندارند عبارتند از ورشکستگان به تقصیر، کسانی که به بیش از یک سال حبس محکوم شده‌اند، روحانیون کلیساهای انگلستان، اسکاتلند، ایرلند و کلیسای کاتولیک، دارندگان لقب و امتیاز، کارمندان بعضی از ادارات که در قانون مصوب ۱۹۷۵ عدم صلاحیت مجلس عوام از آنان نامبرده شده است. این افراد شامل دارندگان پستهای قضایی، کارمندان مستخدم دولت در بعضی از ادارات دولتی محلی، اعضای نیروهای مسلح، اعضای نیروهای انتظامی و برخی از اعضای شرکتهای دولتی و کمیسیونهای دولتی هستند. نامزدی یک کاندیدا برای انتخابات باید مورد حمایت یک انتخاب کننده، یک انتخاب کننده دوم و هشت نفر موافق که اسامی آنها در حوزه انتخابیه به ثبت رسیده است، قرار گیرد. کاندیدا احتیاج به حمایت حزبی ندارد. کاندیدا باید ۱۵۰ پوند به عنوان سپرده بپردازد و در صورتی که آرای کسب شده وی به ۱۲/۵ درصد آرای به صندوق ریخته نرسید، سپرده وی ضبط می شود.

حداکثر مبلغی که یک کاندیدا می تواند در مبارزات انتخاباتی خود به مصرف برساند ۱۷۵۰ پوند به اضافه ۱/۵ پنس در ازای هر انتخاب کننده در یک حوزه خارج از شهر و ۲ پنس به ازای هر انتخاب کننده حوزه واقع در شهر می باشد. هر کاندیدا می تواند برایگان یک آدرس انتخاباتی برای هر انتخاب کننده حوزه انتخاباتی پست نماید. کلیه هزینه های انتخابات، به استثنای هزینه های شخصی کاندیدا، تابع حدود قانونی است.

### نظام حزبی

نظام حزبی موجود که به هر شکل از قرن ۱۷ تا به حال پابرجاست، یک عنصر لازم در عملکرد قانون اساسی است. نظام حاضر بر موجودیت احزاب سیاسی متشکل متکی است و هر حزب، خط مشی خود را جهت تصویب، به انتخابات محول می کند.

احزاب به ثبت نمی رسند و قانوناً به رسمیت شناخته نشده‌اند؛ اما در عمل بیشتر کاندیداها در انتخابات و تقریباً تمامی کاندیداها پیروز، به یکی از احزاب سیاسی تعلق دارند. درصد آرای اخذ شده برای احزاب سیاسی عمده در انتخابات عمومی برگزار شده در ماه می ۱۹۷۹ و نتایج توزیع کرسیها در مجلس عوام، در جدول پیوست آمده است.

حزبی که برنده اکثر کرسیها می شود (گرچه الزاماً حائز اکثر آرا نباشد)، یا از حمایت اکثریت اعضای مجلس عوام برخوردار است، معمولاً دولت را تشکیل می دهد. برحسب سنت، رهبر حزب اکثریت توسط ملکه به عنوان نخست وزیر منصوب می شود و با حدود ۱۰۰ نفر از اعضای حزبی وی در مجلس عوام و مجلس اعیان و به توصیه نخست وزیر، پستهای وزارتی دریافت می کنند. بزرگترین حزب اقلیت، حزب مخالف دولت را با رهبری

خاص خود و کابینه فرضی تشکیل می دهد؛ در حالی که اعضای سایر احزاب و نمایندگان مستقل برحسب سیاست و نظر خود در مباحثات مجلس به طرفداری و یا مخالفت با دولت صحبت می کنند. رهبران دولت و اقلیت بر کرسیهای ردیف جلو مجلس و هواداران آنها به ترتیب بر کرسیهای پشت سر می نشینند.

ترتیبات مشابهی نیز در مجلس اعیان صادق است؛ معهذ آن دسته از اعضای مجلس اعیان که به ارتباط با مسائل دولت و یا حزب مخالف علاقه ندارند می توانند بر کرسیهای ردیف وسط بنشینند. تأثیر نظام حزب در پارلمان تا حدود زیادی به ارتباط میان دولت و احزاب مخالف بستگی دارد.

حزب مخالف به نسبت قدرت رأی نسبی احزاب در مجلس عوام، ممکن است در مورد موضوع رأی اعتماد سعی در سرنگون کردن دولت داشته باشد. معهذ، به طور کلی اهداف احزاب مخالف، شرکت در تصمیم گیریهای سیاسی و قانونگذاری از طریق انتقادات سازنده می باشد. احزاب مخالف با برخی از پیشنهادات دولت که قابل اعتراض می دانند، مخالفت می کنند. حزب مخالف هنگام مطرح شدن لوایح دولت سعی در کسب امتیاز دارد و از این طریق تلاش می کند تا بخت خود را در انتخابات دوره بعد افزایش دهد.

کارهای مفصل و پیچیده دولت، تحت رهبری نخست وزیر و رهبران دو مجلس، توسط نماینده حزبی دولت با مشورت نمایندگان حزب مخالف حل و فصل می شود. نمایندگان حزبی بر روی هم کانالهای مرسوم را تشکیل می دهند که اغلب هنگام یافتن زمان برای بحث بعضی مسائل خاص به آنها رجوع می شود. رهبران دو مجلس عمدتاً مسئول هدایت کار مجالس و فراهم آوردن امکانات معقول جهت مباحثه در موضوعات مجالس می باشند.

در خارج از پارلمان، نظارت حزبی از طریق سازمانهای ملی و محلی اعمال می گردد. در درون پارلمان، این نظارت توسط نمایندگان حزبی کل و مشاوران آنها انجام می گیرد. وظایف نمایندگان حزبی آگاه نگهداشتن اعضای مجلس از مباحث قابل ارائه به مجلس، حفظ قدرت رأی حزبی از طریق تشویق اعضا به شرکت در مباحثات مهم و رسانیدن نظرات اعضای عقب مجلس به رهبری حزبی است.

درصد آرای به صندوق ریخته شده و نمایندگان انتخاب شده در انتخابات عمومی سال ۱۹۷۹

حزب	درصد آرا	حزب	اعضای انتخاب شده
محافظه کار	۴۳/۹	محافظه کار	۳۳۹
کارگر	۳۶/۹	کارگر	۲۶۸
لیبرال	۱۳/۸	لیبرال	۱۱۰
دیگران	۵/۴	اسکاتیش ناشنال	۲
		پلیدسیمرو (ناسیونالیست ویلز)	۲
		طرفدار اتحادیه (ایرلند شمالی)	۵
		طرفدار اتحادیه دموکراتیک (ایرلند شمالی)	۳
		طرفدار اتحادیه اولستر متحد	۱
		طرفدار اتحادیه اولستر	۱
		سوسیال دموکرات و کارگر (ایرلند شمالی)	۱
		مستقل (ایرلند شمالی)	۱
		رئیس مجلس	۱
جمع:	۱۰۰	جمع:	۶۳۵

اهمیتی که یک حزب به رأی در موردی خاص قائل است، از طریق خط کشیدن زیر اعلامیه ای که به نمایندگان می فرستد، مشخص می گردد (یک، دو یا سه خط). خودداری از اطاعت از اعلامیه ای که با سه خط مشخص شده، به معنای قیام علیه سیاست حزبی محسوب می گردد.

انضباط حزبی در مجلس اعیان نسبت به مجلس عوام از شدت کمتری برخوردار است.

نماینده حزبی کل دولت در مجلس عوام، منشی پارلمانی خزانه داری است. دیگر نمایندگان حزبی دولت، شامل سه نفر (یکی از آنها معاون نماینده حزبی کل است) مستخدمین سلطنتی، پنج نفر که پستهای افتخاری دارند و پنج نفر معاونان نمایندگان احزاب، هستند. به رؤسای نمایندگان حزبی مخالف در هر دو مجلس و دو نفر معاونین نمایندگان حزبی مخالف در مجلس عوام حقوق ماهانه پرداخت می گردد. نمایندگان حزبی دولت در مجلس اعیان که از مستخدمین سلطنتی می باشند، به عنوان سخنگویان

دولت عمل می کنند.

کمکهای مالی سالانه از بودجه دولت، برای احزاب مخالف امکان فعالیت در پارلمان را فراهم می آورد. این کمک محدود است به حزبی که حداقل در انتخابات عمومی دو نفر از کاندیداهایشان انتخاب شده باشند یا یکی از کاندیداهایشان انتخاب شده و حداقل ۱۵۰ هزار رأی به صندوق ریخته شده، کسب کرده باشند. ضابطه پرداخت به این شکل است: ۱۹۶۲/۵ پوند برای هر کرسی و ۱۹۲/۵ پوند در قبال هر ۲۰۰ رأی. حداکثر قابل پرداخت ۲۹۰ هزار پوند می باشد.

### رویه و طرز کار پارلمانی

روش کاری پارلمانی بر پایه عادت و سابقه است که بخشی از آن به صورت دستورات دائم روش کار هر مجلس، به شکل قاعده درآمده است. سیستم بحث و گفتگو در دو مجلس تقریباً مشابه است. موضوع به صورت یک طرح پیشنهادی (از جانب یکی از اعضا به خاطر اتخاذ تصمیم از سوی مجلس) مطرح می شود. زمانی که طرحی توسط یک نماینده مطرح شد و مورد حمایت نماینده دوم قرار گرفت، رئیس مجلس آن طرح را به عنوان موضوع بحث پیشنهاد می کند. نمایندگان از محلی که نشسته اند صحبت می کنند. تصمیم گیری در مورد مسائل از طریق رأی اکثریت ساده انجام می گیرد. تفاوت عمده میان دو مجلس آن است که در مجلس اعیان دفتر ریاست مجلس از اختیار جرح و تعدیل و ممانعت از بحث برخوردار نیست. تصمیم گیری در مورد موضوعات با تشخیص عمومی مجلس است؛ در حالی که ریاست مجلس عوام از اختیار تام در تأثیر گذاری قاطع در مجلس برخوردار است. ریاست مجلس عوام باید ناظر بر جلوگیری از سوء استفاده از رویه مجلس و نقض حقوق اقلیت باشد. در مجلس عوام اختیار به رأی گذاردن یک طرح با ریاست مجلس است. به خاطر صرفه جویی در وقت، ریاست مجلس می تواند مانع از بحثهای بی مورد و تکراری شود. در موارد بی نظمی شدید به ابتکار ریاست مجلس می توان مجلس را تعطیل و یا بحث را به حال تعلیق درآورد. رأی گیری در مجلس عوام تحت نظارت ریاست مجلس صورت می گیرد و اعلام نتیجه قطعی از وظایف رئیس مجلس است. در موارد تساوی آرا، ریاست مجلس بر طبق میثاقهای موجود اتخاذ تصمیم می کند.

روش رأی گیری در مجلس اعیان مشابه مجلس عوام است؛ به استثنای آنکه رئیس مجلس اعیان حق رأی ندارد. لوایح دولتی و تصویب قوانین مربوط به آن معمولاً به شکل موجود در مجلس مطرح می شوند، مگر آنکه اکثریت به رد لوایح یا اصلاح آن رأی دهند؛ در سایر طرحها با رأی منفی تصمیم گیری می گردد؛ مگر آنکه اکثریت به سود طرح رأی دهند.

زمانی که مجلس اعیان نشست قضایی دارد، رأی قضایی مورد پژوهش قابل تغییر نیست؛ مگر آنکه آرا مساوی باشد.

مجلس عوام دارای دفتری جهت ثبت منافع مالی نمایندگان است. نمایندگان که در ارتباط با موضوع مطروحه در مجلس، مستقیماً یا غیرمستقیم، دارای منافع مالی هستند، باید موقع شرکت در بحث آن را اظهار نمایند، گرچه در تشخیص عدم صلاحیت نماینده در رأی گیری، این منافع باید مستقیم و شخصی بوده باشد. در سایر جلسات مجلس یا در معاملات با دیگر نمایندگان، وزرا یا مستخدمین دولت، نمایندگان باید منافع یا سود مالی مربوط به آن را افشا کنند. صورت مجلس جلسات هر دو مجلس علنی است، مگر در موارد بسیار نادر.

متن سخنرانیها و صورت جلسات همه روزه چاپ و منتشر می گردد. سابقه مجلس اعیان از سال ۱۴۹۷ و مجلس عوام از سال ۱۵۴۷، همراه با گزارشات سیاسی و پارلمانی بعضی از اعضای پیشین مجلس، در دفتر اسناد مجلس اعیان در دسترس عموم می باشد. پخش تلویزیونی از جلسات مجلس انجام نمی گیرد؛ اما جریان جلسات بر روی نوار ضبط می شود و صدای مربوط به مباحثات مجلس به صورت زنده یا ضبط شده از رادیو و تلویزیون پخش می گردد. برای این منظور یک آرشیو صدای پارلمانی تأسیس شده است.

### جلسات قانونگذاری

همان گونه که اصول قانونی در دادگاه ها مورد تفسیر قرار می گیرد، قوانین نیز به اقتضای پیشامدهای تازه دائماً دستخوش ترمیم و اصلاح هستند؛ اما تغییر کلی این قوانین از طریق فرآیند عادی قانونگذاری از مسئولیتهای پارلمان و دولت است. بیشتر لوایح دولتی به تدابیر مربوط به سیاست عمومی ارتباط دارند؛ اما لوایح خاصی نیز هستند که انحصاراً با موضوعات فردی، شرکتهای و منافع محلی سروکار دارند.

لوايح دولتی را می توان در هر یک از دو مجلس توسط وزیر یا کارمند وزارتخانه ارائه کرد.

اکثر قانونگذاریهای دولتی عملاً از دولت ناشی می شود. پیش از آنکه پیش نویس یک لایحه دولتی به مرحله نهایی برسد، معمولاً مشورتهای زیادی با مراجع حرفه ای، سازمانهای داوطلبانه و سایر ادارات ذینفع، مانند گروه های ذینفوذ و گروه های فشار، که هدفشان ترویج و ارائه یک موضوع خاص است، انجام می گیرد.

پیشنهادات مربوط به تغییرات قانونی گاهی از تصمیم نامه های دولت سرچشمه می گیرد که ممکن است پیش از ارائه لایحه توسط دولت، آن را در پارلمان مطرح کرد. در

بعضی مواقع اسناد مشورتی، که گاهی «اوراق سبز» نامیده می‌شود، در معرض بحث عمومی قرار می‌گیرد؛ در حالی که پیشنهادات دولتی هنوز در مراحل شکل‌گیری است. لوائح اصولاً باید به تصویب هریک از مجالس برسد. برحسب قاعده، برخی از لوائح قانونی که احتمال ایجاد بحث و مجادله داشته باشد، پیش از مجلس اعیان به مجلس عوام فرستاده می‌شود؛ در حالی که لوائحی که پیچیده و بغرنج بوده، ولی ماهیت بحث‌انگیز ندارند، ابتدا از تصویب مجلس اعیان می‌گذرند. هر لایحه‌ای که عمدتاً جنبه مالی دارد، تقریباً ابتدا در مجلس عوام مطرح می‌شود، و هر لایحه‌ای که مربوط به وضع مالیات باشد، پیش از طرح باید برپایه تصمیمات متخذه از مجلس عوام باشد. در صورتی که هدف اصلی لایحه ایجاد بار مالی باشد، باید توسط وزیرارائه شود و در صورتی که از مجلس اعیان آمده باشد، باید از طریق مجلس عوام اقدام شده باشد و در این حالت به دولت نظارت قابل توجهی در جریان قانونگذاری داده می‌شود.

در ابتدای هر اجلاس، اعضای مجلس عوام در مورد حق تقدم ارائه طرح قانونی به مجلس، در یک روز جمعه که به این منظور اختصاص یافته، اتخاذ رأی می‌کنند؛ در هر صورت اولین ۲۰ نماینده امکان ارائه طرح را پیدا می‌کنند. یک عضو مجلس نیز می‌تواند طرحی را بعد از فرصت سؤال مطرح کند، یا سعی در ارائه طرحی تحت قاعده «ده دقیقه» داشته باشد. این ده دقیقه امکان دو سخنرانی، یکی له و دیگری علیه آن طرح را می‌دهد و بعد از آن، مجلس تصمیم می‌گیرد که آیا اجازه ورود طرح قانونی را در دستور کار بدهد یا خیر. طرحهای خصوصی ارائه شده توسط نمایندگان، معمولاً به جایی نمی‌رسند؛ ولی تعداد معدودی در هر اجلاس به صورت قانون درمی‌آیند. اگر چنین طرحی محتاج به شور مجدد پیدا کرد، دولت معمولاً راه حل مالی لازم را ارائه می‌کند. طرحهای خصوصی نمایندگان را می‌توان در هر زمان در مجلس اعیان ارائه داد؛ ولی مهلتی که به این طرحها در مجلس عوام داده می‌شود، بسیار محدود است.

مراحل تصویب یک لایحه عمومی در دو مجلس، مشابه است. لایحه در بدو ارائه به مجلس، مورد شور قرار می‌گیرد؛ بعد به چاپ می‌رسد و پس از مدتی (بین یک روز تا چند هفته، بسته به نوع لایحه) در مورد اصول و امتیازات آن برای بار دوم مورد شور مجلس قرار می‌گیرد. در مجلس عوام یک لایحه غیرجنجالی را می‌توان به کمیسیون شور دوم ارجاع کرد تا مشخص شود که احتیاج به شور دوم دارد. بعد از شور دوم در مجلس عوام، لایحه معمولاً جهت بررسی مفصل به کمیسیون دائمی ارجاع می‌شود و اگر مجلس تصمیم بگیرد، لایحه را به کمیته موقت مجلس ارجاع می‌کند. مراحل کمیسیون، مرحله گزارش را به دنبال دارد که در آن به اصلاحیه‌ها توجه می‌شود. در شور سوم، لایحه در شکل نهایی مورد تجدیدنظر



قراری می‌گیرد.

در مجلس عوام این مرحله بدون بحث انجام می‌پذیرد، مگر آنکه پیشنهادی به امضای شش نفر از نمایندگان خواستار علنی ساختن لایحه، ارائه گردد. این لایحه توسط کمیسیون مجلس مورد بحث قرار می‌گیرد؛ مگر آنکه مجلس تصمیم به ارجاع آن به کمیسیون لوایح دولتی بگیرد.

بعد از شور سوم، لایحه از مجلس عوام به مجلس اعیان فرستاده می‌شود و در مجلس اعیان نیز مراحل مشابهی را می‌گذرانند. مجلس اعیان ممکن است به محدود ساختن وقت اختصاص داده شده به بررسی لایحه رأی دهد و جدول زمانی محدودی برای بررسی لایحه تعیین گردد که اصطلاحاً به آن «گیوتین» می‌گویند. لایحه‌ای که از مجلس اعیان شروع شده و به تصویب این مجلس رسیده، به مجلس عوام فرستاده می‌شود که تمام مراحل خود را بگذرانند. قبل از آنکه لایحه به صورت قانون درآید، چنانچه در آن اصلاحاتی صورت گرفت، باید مجلس دوم نیز با آن موافق باشد و یا سازشی در مورد آن حاصل شده باشد.

بیشتر لوایحی که در مجلس اعیان ارائه شده و به تصویب رسیده، معمولاً به خاطر ماهیت غیرجنجالی آنها، بدون اشکال از تصویب مجلس عوام می‌گذرد. معهذاً اگر یک لایحه دولتی مصوب مجلس اعیان، مورد قبول مجلس عوام قرار نگیرد، معمولاً به صورت قانون در نخواهد آمد؛ زیرا وقت بحث به آن اختصاص داده نمی‌شود. معمولاً در چنین مواردی مجلس اعیان در مقابل، مانع از تصویب لوایحی که مجلس عوام روی آن مصر می‌باشد، نمی‌شود. معمولاً مجلس اعیان یا لوایح را به شکل موجود تصویب می‌کند و یا آن را اصلاح کرده و برای بررسی به مجلس عوام باز می‌گرداند و در چنین مواردی مجلس عوام با اصلاحات صورت گرفته موافقت می‌کند. ولی در عمل، مجلس اعیان لوایحی را که به وضع مالیات و هزینه‌های ملی مربوط می‌شود، بدون انجام اصلاحات تصویب می‌کند. لایحه‌ای که انحصاراً با مالیات و هزینه سروکار دارد باید بعد از یک ماه از زمانی که به مجلس اعیان فرستاده شده، به صورت قانون درآید، چه مجلس اعیان با آن موافقت کند یا خیر؛ مگر آنکه مجلس عوام طور دیگری خواسته باشد.

در صورتی که در مورد یک لایحه غیرمالی مصوب مجلس عوام، بین دو مجلس توافقی حاصل نشد، مجلس اعیان در عمل می‌تواند آن لایحه را (با بعضی استثناءها) تا حدود ۱۳ ماه به تأخیر اندازد. در پایان این زمان، لایحه به صورتی که در مجلس عوام به تصویب رسیده است، به حالت قانون درمی‌آید. طرح مربوط به طولانی کردن مدت اجلاس پارلمان احتیاج به توافق کامل دو مجلس دارد.

محدودیت قدرت مجلس اعیان بر پایه این باور است که وظیفه اصلی قانونگذاری

یک مجلس غیرمنتخب جنبه تجدیدنظر و تکمیلی دارد، نه رقابت با مجلس منتخب. بعد از آنکه یک لایحه مراحل پارلمانی خود را گذراند و به تصویب رسید، آن را به جهت توشیح، برای ملکه می فرستند و بعد از آن به صورت قانون پارلمانی درمی آید و در انگلستان لازم الاجرا می باشد. براساس سنت، از سال ۱۷۰۷ تا کنون، پادشاه از توشیح قوانین خودداری نکرده است.

لوائح خصوصی، که از مردم و سازمانهای خارج از پارلمان ناشی می شوند، از همان مراحل قانونی لوائح عمومی برخوردار هستند؛ اما بیشتر کار در کمیسیون صورت می گیرد و جلسات کمیسیون الگوی نیمه قضایی دارد و ارائه کننده این لوائح باید نیاز به امتیاز و قدرت خواسته را ثابت کند و اعتراضات مخالفین لایحه استماع گردد. هر دو طرف می توانند قانوناً نمایندگان در جلسات بحث داشته باشند.

### قانونگذاری تفویضی

قانونگذاری تفویضی، که برای کاهش فشار وقت پارلمانی مورد استفاده قرار می گیرد، بعد از تصویب قانون به وزرا و سایر مقامات این قدرت را می دهد که در مورد جزئیات اداری به وضع مقررات بپردازند. برای به حداقل رسانیدن ریسک قدرتی که به مأموران اجرایی تفویض شده، تا در مواردی به تضعیف دولت پارلمانی منجر نشود، معمولاً این قدرت مستقیماً به مقاماتی تفویض می گردد که در مقابل پارلمان مسئول می باشند. به علاوه، قوانین پارلمانی که به وسیله آنها قدرتهای ویژه ای تفویض می گردد، معمولاً تدابیری را پیش بینی می کنند که به موجب آن یک نظارت پارلمان بر اعمال این قدرتها وجود داشته باشد؛ برای مثال برای پارلمان حق تأیید یا فسخ این مقررات محفوظ می ماند. بعضی از قوانین پیش از ایجاد مقررات مربوط به آن، محتاج به مشورت با سازمانهای تحت تأثیر این مقررات می باشد.

یک کمیسیون مشترک از دو مجلس، در مورد مراعات فتنی این «ابزار قانونی» گزارش می دهد. برای صرفه جویی در وقت، در مجلس عوام کمیسیونهای دائمی نیز وجود دارد که شایستگی این ابزار را، با تصمیمات اختصاص یافته به مجلس مورد توجه قرار دهد.

### کمیسیونهای پارلمانی

هر یک از دو مجلس برای بررسی جزئیات یک لایحه، پس از شور دوم ممکن است کمیسیون ویژه ای ایجاد کنند. ریاست این کمیسیون با رئیس تعیین بودجه و اقلام (در مجلس اعیان، با رئیس کمیسیونها) می باشد.

### کمیسیونهای دائم

کمیسیونهای دائمی مجلس عوام عبارتند از کمیسیونهایی که لوایح دولتی را در مرحله کمیسیون مورد بررسی قرار می دهند و در موارد خاص، در شور دوم لایحه در مورد آن گزارش می دهند؛ نظیر دو کمیسیون عالی اسکاتلند، کمیسیون عالی ویلز و کمیسیون دائم ایرلند شمالی، کمیسیونهای دائمی عادی اسامی مشخصی ندارند و با حروف الفبا به ترتیب الف، ب، ج و... مشخص می شوند و هر کمیسیون برای بررسی یک لایحه معین انتخاب می گردد. هر کمیسیون بین ۱۶ تا ۵۰ عضو دارد و سعی می شود در آن توازن حزبی رعایت گردد. کمیسیون عالی اسکاتلند که ۷۱ عضو اسکاتلندی را در بر می گیرد، دارای ۱۰ تا ۱۵ عضو دیگر نیز هست و اصول مربوط به لوایح مربوط به اسکاتلند را در شور دوم مورد بررسی قرار می دهد. این کمیسیون فقط به لوایح مربوط به اسکاتلند رسیدگی می کند. کمیسیون عالی ویلز، با تمامی ۳۶ عضو ویلز و پنج عضو دیگر، به لوایح ارجاعی در شور دوم و موضوعات منحصربه ویلز رسیدگی می کند. کمیسیون ایرلند شمالی به موضوعات مربوط به این استان رسیدگی می کند. یک کمیسیون دائم امور منطقه ای که در آن هریک از ۵۱۶ عضو حوزه های انتخابیه انگلستان شرکت دارند، به موضوعات مربوط به مناطق انگلستان رسیدگی می کند. معادل کمیسیون دائم در مجلس اعیان، کمیسیون لایحه عمومی است که بندرت مورد استفاده قرار می گیرد.

### کمیسیون منتخب

کمیسیونهای انتخابی در هریک از مجالس به پارلمان کمک می کند که از طریق بررسی و گزارش در جنبه های سیاسی و مدیریت بر کار دستگاه اجرایی نظارت داشته باشد. این کمیسیونها برای رسیدگی به مسائل خاص مربوط به مجالس نیز ایجاد می گردند. بسته به موقعیت، این کمیسیونها ممکن است برای طول مدت اجلاس یا طول عمر پارلمان ایجاد گردند. در موارد بسیار نادر، یک لایحه پارلمانی توسط کمیسیون منتخب مورد بررسی قرار می گیرد. کمیسیونهای منتخب در مجلس عوام بر اساس حزب تشکیل می گردند و اعضای مجلس به نسبت قدرت حزبی خود در آن شرکت دارند. در مجلس عوام دوازده کمیسیون هزینه های مدیریت و خط مشی وزارتخانه های عمده دولتی را مورد رسیدگی قرار می دهند. کمیسیون امور خارجه برای مثال، بر کار وزارت امور خارجه و مشترک المنافع رسیدگی می کند. کمیسیونهای منتخبی نیز برای امور مربوط به اسکاتلند و ویلز ایجاد گردیده و یک کمیسیون رابط برای بررسی امور کلی مربوط به کمیسیونهای منتخب ایجاد گردیده است.

سایر کمیسیونهای منظم عبارتند از: کمیسیون قانونگذاری اروپا، کمیسیون محاسبات عمومی، کمیسیون منافع اعضا، کمیسیون پارلمانی اداری و کمیسیون سخن‌پراکنی. کمیسیون انتخاب و کمیسیون نظامات دائم، وظایفشان به لوایح خصوصی مربوط می‌شود و کمیسیون انتخاب اعضا، عضو کمیسیونهای دائم و منتخب را تعیین می‌کند.

کمیسیونها در موشکافی سیاستهای دولت، وزرا، کارمندان ارشد و افراد و دستگاههای ذینفع را مورد سؤال قرار می‌دهند. از طریق رسیدگی و گزارشات منتشره، این کمیسیونها حقایق را در مورد مسائل مهم در پیش روی پارلمان و افکار عمومی قرار می‌دهند و در موضوعات مورد تحقیق، تخصص قابل توجهی حاصل می‌کنند.

در مجلس اعیان، کمیسیونهای پژوهشی وجود دارند که کارهای قضایی مربوط به این مجلس بر دوش آنهاست. کمیسیونهای دیگری نیز در مجلس اعیان وجود دارند که از جمله از کمیسیون بازار مشترک، کمیسیون علوم و تکنولوژی، کمیسیون دفاتر مجلس اعیان، کمیسیون ابزارهای پیوندی، کمیسیون مرخصی بدون حقوق، کمیسیون مخارج اعضای مجلس، کمیسیون لوایح شخصی، کمیسیون لوایح خصوصی، کمیسیون نظامات دائمی، کمیسیون امتیازات، روشها و سخن‌پراکنی می‌توان نام برد.

### کمیسیونهای مشترک

دو مجلس ممکن است مستقیماً کمیسیونهای منتخب ایجاد کنند و کمیسیونهای مشترک در هر اجلاس برای رسیدگی به لوایح ترکیبی و قانونگذاری تفویضی ایجاد می‌گردد.

### کمیسیونهای حزبی

افزون بر کمیسیونهای رسمی دو مجلس، چندین کمیسیون غیررسمی و سازمانهای حزبی وجود دارند. کمیسیون اعضای محافظه کار و یونیونیست و کمیسیون سال ۱۹۲۲، شامل اعضای حزبی کرسیهای ردیف عقب مجلس است. حزب کارگر پارلمانی عبارت است از شرکتی از کلیه اعضای حزب در دو مجلس. زمانی که حزب کارگر سرکار است، یک کمیسیون رابط به عنوان مجرای ارتباطی بین دولت و اعضای ردیف عقب حزب کارگر در دو مجلس عمل می‌کند. زمانی که حزب در مقام مخالف قرار دارد، حزب کارگر پارلمانی تحت هدایت کمیسیون پارلمانی، که اغلب به آن «کابینه فرضی» گفته می‌شود، متشکل است.

## اشکال دیگر نظارت پارلمانی

تأثیر نظارت پارلمانی دولت موضوع بحثی ادامه دار، هم در پارلمان و هم در خارج از پارلمان است. این نظارت در نهایت از طریق قدرت مجلس عوام در مجبور ساختن دولت به استعفا، از طریق رأی «عدم اعتماد» و یا ردّ یکی از پیشنهادات حیاتی دولت که به آن جنبه اعتمادی داده شده و نهایتاً با خودداری از تصویب بودجه لازم برای خدمات عمومی، اعمال می‌گردد. علاوه بر نظام موشکافی از طریق کمیسیونهای منتخب، مجلس عوام فرصتهای بیشماری را برای بررسی و رسیدگی به سیاست دولت، از طریق حزب مخالف نمایندگان متعلق به دولت که در ردیفهای عقب مجلس می‌نشینند نیز فراهم می‌آورد؛ این فرصتها عبارتند از:

۱. وقت سؤال، که روزهای دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه وزرا به مدت یک ساعت به سؤالات نمایندگان پاسخ می‌دهند. سؤالات پارلمانی یکی از طرق استخراج و کسب اطلاعات در مورد مقاصد دولت است. این طریق به مجلس امکان می‌دهد که ناخوشنودیهها و شکایات حوزه انتخابیه را به سمع همگان برساند.

۲. حق نمایندگان برای استفاده از پیشنهادات تنفس مجلس برای علنی ساختن مباحثات موارد حوزه‌های انتخابیه یا موضوعات مورد نظر عموم. در پایان کار روزانه مجلس یک تنفس نیم ساعته وجود دارد و پیش از تعطیلات کریسمس، عید پاک و دوره فترت بهار و تابستان، یک روز صرف بحث موضوعات مطرح شده توسط اعضای خصوصی می‌گردد. به علاوه، نماینده‌ای که تمایل به طرح یک «موضوع مهم و خاص که جنبه فوری دارد» را داشته باشد، در پایان وقت سؤال، می‌تواند تقاضای اجازه بحث کند. اگر رئیس مجلس با مفاد پیشنهاد موافقت کند، نماینده از مجلس تقاضای اجازه می‌کند تا بحث آن پیشنهاد جلو بیفتد. این اجازه ممکن است به اتفاق آرا حاصل شود؛ یا چهل نفر از نمایندگان یا بیشتر از پیشنهاد حمایت کنند و یا اگر تعداد آنان از چهل نفر کمتر شد، بیش از ده نفر از پیشنهاد حمایت کنند و مجلس به آن رأی دهد. زمانی که این اجازه داده شد، موضوع برای مدت سه ساعت - معمولاً در روز بعد - مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳. ۲۹ روز «ذخیره» هر اجلاس، که قبلاً برای بحث در مورد هزینه‌های پیشنهادی دولت مورد استفاده قرار می‌گرفت، امروزه به اعضای احزاب مخالف اختصاص داده شده تا موضوعاتی برای بحث انتخاب کنند (موشکافی کمیسیونهای کوچک در مورد پیشنهادات هزینه‌های مفصل مؤثرتر بوده است). فرصتهای انتقاد از دولت، در هنگام بحث در مورد خطابه ملکه، در آغاز هر اجلاس و در هنگام بحثها یا پیشنهاداتی که دولت برای آن بخشی از وقتش را اختصاص داده نیز حاصل می‌شود. همین‌طور در هنگام پیشنهادات تقنینیه دولت

نیز چنین فرصتهایی به دست می آید.

در مجلس اعیان نیز در وقت سؤال روزانه و همچنین در خلال بحث پیشنهادات خاص و در وقت سؤال پایان روز نیز چنین فرصتهایی وجود دارد. برای آگاه نگه داشتن دو مجلس از تحولات جامعه اروپا و قادر ساختن آنان به موشکافی و بحث در مورد سیاستهای این جامعه، دو کمیسیون منتخب وجود دارد و وزرا در مورد دادوستد این جامعه از طریق بیانیه های منظم، آگاهی لازم را در اختیار دو مجلس قرار می دهند.

#### مأمور عالی رتبه پارلمانی در امور اداری

مأمور عالی رتبه پارلمانی در امور اداری به تقاضای نمایندگان مستقلاً به شکایات سوء مدیریت رسیدگی می کند. قدرت رسیدگی تا کلیه سطوح بخشهای دولت مرکزی وسعت می یابد؛ اما در مورد تصمیمات سیاسی و موضوعات مربوط به روابط با سایر کشورها این قدرت وجود ندارد. شکایات اتباع انگلستان که از مشاغل انگلستان در خارج از کشور ناشی می شود، در بعضی موارد قابل رسیدگی است. این مأمور به اسناد بخشهای دولتی دسترسی دارد و کشفیات را به نماینده ای که شکایت را مطرح کرده، گزارش می دهد. وی سالانه به پارلمان در این موارد تحقیق گزارش می دهد. یک کمیسیون منتخب مجلس عوام توصیه هایی در مورد کار این مأمور ارائه می کند؛ اما موارد را یک به یک مورد بررسی قرار نمی دهد.

#### امتیاز پارلمانی

هر مجلس از حقوق و مصونیتهای مشخصی برخوردار است که حامی آن در برخورد با موانع در انجام وظایف می باشد. این حقوق به طور جمعی در هر یک از دو مجلس و به طور انفرادی در مورد هر یک از نمایندگان صدق می کند. در مورد مجلس عوام، ریاست مجلس در آغاز هر دوره تقنینیه رسماً مدعی «این حقوق و امتیازات مسلم و کهن» می گردد. آزادی بیان، مصونیت، در مقابل احکام دادگاه های مدنی و توقیف، معافیت از خدمت در هیئت ژوری، شهادت دادن و یا خدمت به عنوان کلانتر، حق دسترسی به دربار و امتیاز جمعی مجلس از جمله این حقوق است. امتیازات دیگر عبارتند از حقوق مجلس نظارت بر دستور جلسات (به طوری که برای مثال می تواند «بیگانگان» را در صورتی که تمایل داشته باشد، از استماع جلسات کنار بگذارد)، اعلام کرسی خالی در صورت ثبوت عدم صلاحیت قانونی نماینده و اعمال تنبیه در صورت نقض امتیازات و اهانت.

## امتیازات مجلس اعیان مشابه مجلس عوام می باشد.

۱. سایر کشورهای عضو مشترک المنافع که ملکه ریاست حکومتی آنها را برعهده دارد، عبارتند از استرالیا، باهاما، باربادوس، بلیزه، کانادا، فیجی، گرانادا، جامائیکا، گینه جدید، پاپوا، سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادین، جزایر سولومور و توآلو.
۲. گرچه اغلب امتیازات افتخاری که به وسیله ملکه اعطا می شود به توصیه نخست وزیر است، برخی از امتیازات به انتخاب خود ملکه داده می شود؛ نشان گابتر، نشان تیسل، نشان مریت و نشان سلطنتی ویکتوریا از جمله آنهاست.
۳. دوک نشین لانکاستراژی است که از سال ۱۳۹۹ در اختیار پادشاه می باشد؛ این دوک نشین از املاک سلطنتی جداست و به طور جداگانه توسط ریاست دوک نشین اداره می شود.
۴. تعداد کرسیهای نمایندگان ایرلند شمالی قرار است از ۱۲ به ۱۷ کرسی افزایش یابد.
۵. بحث در مورد پیشش تلویزیونی مباحثات مجلس چندین بار مطرح بوده است و در سال ۱۹۶۸ یک تجربه پیشش تلویزیونی در مجلس اعیان صورت گرفت. در سال ۱۹۸۰ چنین لایحه ای در مجلس عوام مطرح شد. وی به جایی نرسید.





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی